

حج و عمره را در این کتاب به گونه‌ای ساده و روان توضیح داده‌ام تا هر کس که بخواهد این سفر را تجربه کند، بتواند به راحتی آن را انجام دهد. این کتاب برای کسانی که می‌خواهند به حج بروند، بسیار مفید است. در این کتاب به همه چیزهایی که در مورد حج و عمره باید بدانید، پرداخته شده است. از جمله: شرایط حج و عمره، مدارک مورد نیاز، هزینه‌ها، مسافرت به حج، اقامت در حج، نحوه انجام حج و عمره، و غیره. امیدوارم این کتاب برای شما مفید باشد.

## ..... حج الهی

..... خنک آن حاجی که ناجی است

..... حسن حسن زاده املی

برگرفته از کتاب شریف «الهی نامه»

الهی! خانه کجا و صاحب خانه کجا؟ طائف آن کجا و عارف این کجا؟ آن سفر جسمانی است و این روحانی؛ آن برای دولتمند است و این برای درویش؛ آن اهل و عیال را وداع کند و این ماسوا را؛ آن ترک مال کند و این ترک جان؛ سفر آن در ماه مخصوص است و این راه همه ماه؛ و آن را یک بار است و این را همه عمر؛ آن سفر آفاق کند و این سفر انفس، راه آن را پایان است و این را نهایت نبود؛ آن می‌رود که برگردد و این می‌رود که از او نام و نشانی نباشد؛ آن فرش بپیماید و این عرش؛ آن مُحرم می‌شود و این مَحرم؛ آن لباس احرام می‌پوشد و این از خود عاری می‌شود؛ آن لبیک می‌گوید و این لبیک می‌شنود؛ آن تا به مسجد الحرام رسد و این از مسجد الاقصی بگذرد؛ آن استلام حجر کند و این اشتقاق قمر؛ آن را کوه صفاست و این را روح صفا؛ سعی آن چند مَرّه بین صفا و مروه است و سعی این، یک مَرّه در کشور هستی؛ آن هروله می‌کند و این پرواز؛ آن مقام ابراهیم طلب کند و این مقام ابراهیم؛ آن آب زمزم نوشد او این آب حیات؛ آن عرفات بیند و این عرصات؛ آن را یک روز وقوف است و این را همه روز؛ آن از عرفات به مشعر کوچ کند و این از دنیا به محشر؛ آن رمی جمرات کند و این رجم همزات؛ آن حلق رأس کند و این ترک سر؛ آن را «لافسوق و لاجدال فی الحج» است و این را «فی

العمر؛ آن بهشت طلبید و این بهشت آفرین؛ لاجرم آن حاجی شود و این ناجی؛ خنک آن حاجی که ناجی است؛ الهی توانگران را به دیدن خانه خوانده‌ای و درویشان را به دیدار خداوندی‌خانه؛ آنان سنگ و گل دارند و اینان جان و دل؛ آنان سرگرم در صورتند و اینان محو در معنا؛ خوشا آن توانگری که درویش است.

الهی! تن به سوی کعبه داشتن چه سودی دهد آن را که دل به سوی خداوند کعبه ندارد؟

## جذبه مهر تو

جواد محدثی

جذبه مهر تو آورد مرا بار دگر  
هر که را نیست به دل شور ولایت، برود  
این دل سوخته و دیده گریانِ مرا  
یا رسول الله! ای مرقد تو کعبه عشق  
من که عمری است به درگاه تو سر می سایم  
زائر کوی رسولیم، خدایا مپسند  
غیر عشق تو نبوده است مرا کار دگر  
بفروشد دل بی مهر، به بازار دگر  
نیست جز دست کریم تو خریدارِ دگر  
بر لبم نیست بجز یاد تو گفتارِ دگر  
نروم از در این خانه به دربارِ دگر  
در ره عشق، گزینیم جز او یارِ دگر

## یا بقیة الله

«مؤید» مشهدی

ای حریم کعبه محرم بر طوافِ کوی تو  
ما ودل، ای مهدی دین بر نماز استاده ایم  
گرچه بر مُحرم بود بوییدن گلها حرام  
بهر قربانی نه جان دارم که قربانی کنم  
دست ما افتادگان را هم در این وادی بگیر  
من به گرد کعبه می گردم به یاد روی تو  
من به پیش کعبه، دل در قبله ابروی تو  
زنده ام من ای گل زهرا به فیض بوی تو  
موقع احرام اگر چشمم فتد بر روی تو  
ای که مهر از مهر «جاء الحق» بود بازوی تو  
فرستنده: سید جواد میر احمدی

